

پهلوی اول و نوسازی صنعتی

● حمیدرضا آریان فر



- سیاست‌های صنعتی در دوران رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴)
- تالیف: زهرا صادقی
- ناشر: انتشارات خجسته؛ چاپ اول، ۱۳۸۷؛ ۲۲۴ صفحه

نگارش کتبی در حوزه‌ی تاریخ اقتصادی ایران امری لازم و ضروری است، اما قلت منابع مکتوب در ارتباط با شاخه‌های مختلف آن کمتر پژوهشگری را به نگارش دقیق و علمی در این حوزه‌ی مطالعاتی سوق داده است. یکی از شاخه‌های مهم تاریخ اقتصادی ایران صنعت و موضوعات مرتبط با آن است. آغاز صنعتی شدن ایران به معنای مدرن آن، به دوره‌ی پهلوی بازمی‌گردد. با وجود اهمیت دوره‌ی پهلوی اول در توسعه و نوسازی ایران، تاکنون زوایای این دوره کمتر مورد توجه و اقبال پژوهشگران علوم انسانی قرار گرفته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا یکی از منابع مهم و پایه‌ی دوره‌ی پهلوی اول مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

کتاب «سیاست‌های صنعتی در دوران رضاشاه» پژوهشی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی‌های صنعتی است که توسط خانم زهرا صادقی، دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی تاریخ، توسط انتشارات خجسته چاپ و منتشر شده است. با این که تاریخ چاپ اثر ۱۳۸۷ ذکر شده، ولی این کتاب در سال جاری روانه‌ی بازار کتاب شده است. به لحاظ زمانی کتاب حاضر یک دوره‌ی ۱۶ ساله از روی کار آمدن رضاشاه تا پایان حکومت وی را دربرمی‌گیرد و موضوع آن سیاست‌گذاری‌هایی است که در طول این دوره در زمینه‌ی صنعت کشور اتخاذ شده است.

اگرچه تاکنون مسائل مربوط به برنامه‌های عملی صنعت این دوره همچون احداث کارخانجات و مراکز صنعتی مورد توجه نویسندگان بوده، ولی برنامه‌های نظری و سیاست‌گذاری‌های صنعتی که در بازسازی فضای صنعتی کشور در دوره‌ی مورد نظر حائز اهمیت بسیار زیادی است، مغفول مانده است.

کتاب دارای پیشگفتار، یک مقدمه و هشت فصل است. مؤلف در مقدمه به تعریف دو مفهوم کلیدی سیاست صنعتی و دولت پرداخته است. تعریف وی از سیاست طرح‌ها و برنامه‌هایی است که دولت پهلوی اول در زمینه‌ی صنعت اتخاذ کرده و به کار برده است. صنعت نیز به معنای کار سیستماتیک بر روی مواد اولیه مانند مواد معدنی فلزی و غیرفلزی و همچنین تولید انبوه کارخانه‌های مختلف مانند کارخانه‌ی قند است. مفهوم دولت نیز عبارت از مجموعه‌ای از سازمان‌های اجرایی است که قدرت اداره‌ی جامعه به آن داده شده و متشکل از مجلس شورا، پادشاه و مجموعه‌ی نخست وزیر و کابینه است. در مجموع، مفهوم سیاست‌های صنعتی دولت عبارت از مجموعه‌ی برنامه‌ها، قوانین و مقرراتی است که برای ایجاد یا پیشرفت صنایع توسط دولت وضع شده است.

تأکید مؤلف در این کتاب استفاده از منابعی است که کمتر در دسترس قرار دارند. به‌طور کلی منابع مورد استفاده در این کتاب به دلیل گستردگی و تنوع به چند

دسته تقسیم شده‌اند: اسناد؛ مجموعه قوانین؛ کتب؛ نشریات؛ سالنامه‌ها؛ آمارنامه‌ها. مهم‌ترین منابعی که توسط مؤلف به کار رفته اسنادی است که از ۵ مرکز گردآوری شده و عبارتند از: سازمان اسناد ملی کشور؛ مرکز اسناد ریاست جمهوری؛ اداره کل قوانین مجلس؛ بایگانی راکد دفتر وزارتی امور اقتصادی و دارایی؛ بایگانی راکد دفتر وزارتی وزارت راه و ترابری.

بدین ترتیب، اسناد اقتصادی این دوره مهم‌ترین منابع مورد استفاده مؤلف در نگارش این اثر بوده است. همان‌طور که چارلز عیسوی بهترین راه بررسی تاریخ اقتصادی یک منطقه را مطالعه‌ی مجموعه‌ای از اسناد و مدارک آن نام می‌داند. علاوه بر استفاده گسترده از اسناد در این کتاب از مجموعه قوانین حوزه‌ی صنعت نیز استفاده شده است. این مجموعه قوانین سه دسته‌اند: مجموعه قوانین دوره‌های مختلف قانونگذاری؛ مجموعه قوانین سال‌های مختلف؛ استخراج از روزنامه‌ی رسمی کشور؛ مجموعه قوانین بودجه.

فصل اول که حکم پیشینه‌ی پژوهش را دارد، «زمینه‌های تاریخی سیاست گذاری صنعتی در ایران» است. در این فصل به اولین تصمیمات در حوزه‌ی صنعت پرداخته شده است. شکست‌های ایران از روسیه، توجه دولت را به برتری روزافزون تمدن نوین اروپا و بازماندگی ایران از توسعه جلب کرد. از این رو، دولت قاجاریه درصدد برخورداری از پیشرفت‌های اروپا و سیاست گذاری در این زمینه برآمد و جهت نیل به این مقصود، مبادرت به اصلاحات آموزشی، مدرن‌سازی آموزش و اعزام شاگردان ایرانی برای کسب علوم و صنایع به اروپا کرد. عباس میرزا اولین بانی اصلاحات در دوره‌ی قاجاریه به شمار می‌رود. پس از وی میرزا تقی خان امیرکبیر در دوره‌ی ناصرالدین شاه کار وی را با جدیت دنبال کرد و برنامه‌هایی را برای ایجاد صنایع جدید به اجرا درآورد. روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه به این اقدامات و توجه دولت ایران به رونق صنایع اشاره کرده است. دوره‌ی سپهسالار رانیز می‌توان مرحله‌ی تحول صنعت در ایران دانست که همان توجه به صنعت ماشین بخار بود. با وقوع انقلاب مشروطه، تلاش در جهت اجرای خواست‌های تجار، بازرگانان و روشنفکران به کار بسته شد و در طول چهار دوره قوانینی در زمینه‌ی صنعت به تصویب رسید. این فرایند در زمینه‌ی صنعت در دوره‌ی مجلس پنجم با سرعت بیشتری ادامه یافت. اولین تصمیمات اتخاذ شده مطابق با رویکردی تجددگرایانه نسبت به صنعت بود، به طوری که در کنار صنایع دستی سنتی، به ترویج صنایع ماشینی نیز پرداخته می‌شد. به گفته‌ی مؤلف، بیشترین تصمیمات

سال	مخارج کل کشور (ریال)	مخارج بخش صنعت (ریال)	درصد
۱۳۰۴	۲۴۷۱۵۹۰۷۰	۲۱۵۸۱۴۷۱	۸/۷۴
۱۳۰۵	۲۵۲۳۸۲۷۳۸	۲۳۶۰۱۳۰۹	۱۱/۷۲
۱۳۰۶	۲۳۱۶۶۰۱۱۱	۱۷۳۱۲۴۷۰	۷/۴۹
۱۳۰۷	۲۷۸۱۳۹۱۷	۲۷۱۱۷۱۲۰	۹/۸۶
۱۳۰۸	۳۳۹۲۵۱۶۰۱	۵۱۶۶۱۳۴۰	۱۵/۸۸
۱۳۰۹	۳۵۲۸۱۷۷۶	۵۱۳۶۵۷۰	۱۴/۵۴
۱۳۱۰	۲۷۲،۱۴۲،۲۵۸	۵۰،۷۷۲،۲۵۰	۱۸/۶۰
۱۳۱۱	۲۲۱،۳۹۹،۸۷۰	۳۰،۵۵۵،۰۶۰	۱۳/۳۴
۱۳۱۲	۵۰۶،۹۰۲،۲۶۰	۳۸،۸۴۶،۵۹۲	۷/۶۳
۱۳۱۳	۲۲۱،۳۰۷،۲۶۰	۲۲،۵۵۰،۲۲۰	۱۰/۱۷
۱۳۱۴	۷۵۰،۸۳۸،۷۹۰	۱۲۸،۸۲۱،۵۳۳	۱۷/۱۶
۱۳۱۵	۱،۰۰۰،۰۱۶،۸۸۴	۳۰۷،۲۴۷،۰۰۰	۳۰/۷۵
۱۳۱۶	۱،۲۳۸،۰۳۷،۳۷۷	۲۸۲،۵۷۵،۵۰۱	۲۸/۸۳
۱۳۱۷	۱،۵۲۷،۵۱۸،۵۳۲	۵۵۷،۵۶۹،۳۶۶	۳۶/۵۰
۱۳۱۸	۲،۸۸۲،۳۵۰،۲۸۷	۱،۲۱۱،۲۰۷،۵۰۰	۴۲/۰۰
۱۳۱۹	۳،۲۱۰،۹۷۳،۰۱۷	۱،۹۳۶،۳۱۱،۸۸۳	۶۰/۳۰
۱۳۲۰	۲،۳۳۳،۹۱۱،۴۷۲	۲،۲۰۸،۸۸۹،۱۴۰	۵۱/۰۹
میانگین سهم صنعت در مخارج کل کشور			۲۵/۳۴

جدول شماره ۱: مخارج بخش صنعت در مقایسه با مخارج کل کشور^۱

سال	مخارج کل کشور (ریال)	مخارج بخش صنعت (ریال)	درصد
۱۳۰۸	۲۴۷،۳۷۵،۹۹۰	۲،۵۵۵،۵۰۰	۱/۸۴
۱۳۰۵	۲۵۶،۳۸۲،۷۳۰	۲۵،۸۳۸،۵۰۰	۱۰/۸۸
۱۳۰۶	۲۳۸،۲۹۵،۱۹۶	۱۶۴،۳۰۳،۸۷۰	۳۳/۱۹
۱۳۰۷	—	—	۰
۱۳۰۸	۳۳۹،۲۵۱،۰۰۰	۲۰،۰۳۱،۰۰۰	۱۲/۸۷
۱۳۰۹	۳۵۳،۳۷۲،۸۲۷	۵۷،۲۴۶،۰۰۰	۱۶/۲۰
۱۳۱۰	۳۳۱،۷۵۹،۳۹۹	۵۷،۶۶۸،۳۱۲	۱۷/۹۲
۱۳۱۱	۲۲۹،۳۰۰،۰۰۰	۱۳۹،۹۲۴،۸۲۰	۳۳/۳۰
۱۳۱۲	۵۰۶،۹۱۲،۳۲۷	۱۵۹،۸۷۰،۲۸۱	۳۱/۵۲
۱۳۱۳	۲۲۱،۳۱۳،۲۶۷	۱۷۲،۳۵۰،۹۶۰	۱۷/۷۲
۱۳۱۴	۷۵۱،۱۳۳،۸۸۷	۲۰۶،۸۱۳،۷۵۰	۲۷/۵۴
۱۳۱۵	۱،۰۰۰،۰۱۶،۸۸۴	۱۷۰،۶۲۰،۰۰۰	۱۷/۰۶
۱۳۱۶	۱،۲۵۰،۰۱۰،۲۸۱	۳۸۱،۸۳۶،۷۷۶	۳۰/۴۶
۱۳۱۷	۱،۵۲۹،۳۹۲،۴۳۸	۳۵۲،۶۵۹،۱۰۲	۲۳/۰۵
۱۳۱۸	۱،۹۳۰،۹۶۷،۰۰۰	۶۰۶،۹۲۰،۰۰۰	۳۱/۳۴
۱۳۱۹	۳،۰۹۲،۳۳۲،۹۷۷	۱،۹۳۶،۳۱۱،۸۸۳	۶۲/۰۲
۱۳۲۰	۲،۳۳۳،۹۱۱،۴۷۲	۲،۲۰۸،۸۸۹،۱۴۰	۹۵/۰۹
میانگین سهم صنعت در درآمد کل کشور			۲۰/۷۷

جدول شماره ۲: درآمد بخش صنعت در مقایسه با درآمد کل کشور^۱

تاریخ	تعداد	نوع
۳/۳۲	۷	پنجم
۱۷/۰۶	۳۶	ششم
۱۸/۲۸	۳۹	هفتم
۱۸/۹۶	۴۰	هشتم
۱۸/۹۱	۲۲	نهم
۸/۰۵	۱۷	دهم
۱۰/۲۳	۲۲	یازدهم
۳/۷۹	۸	دوازدهم
۱۰۰	۲۱۱	جمع

جدول شماره ۲: توزیع قراردادی قوانین صنعتی به تفکیک دوره‌های مجلس (۱۳۰۴-۱۳۲۰)

نگارش کتبی در حوزه‌ی تاریخ اقتصادی ایران امری لازم و ضروری است، اما قلت منابع مکتوب در ارتباط با شاخه‌های مختلف آن کمتر پژوهشگری را به نگارش دقیق و علمی در این حوزه‌ی مطالعاتی سوق داده است

نوسازی صنعت

تحلیل آماری قرار گرفته است. مؤلف گستره‌ی موضوعی سیاست‌های دولت را در پنج گروه بزرگ قرار داده که عبارتند از:

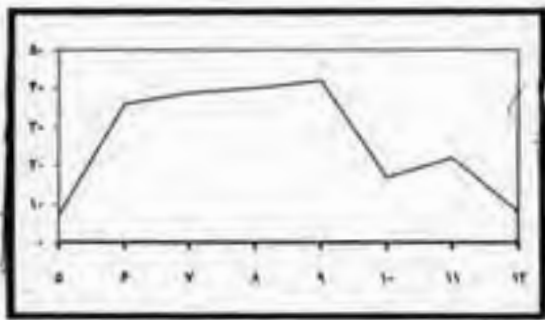
ضوابط و مقررات حقوقی؛ راه‌اندازی تأسیسات؛ تربیت نیروی انسانی متخصص؛ تأسیس سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط جهت اجرا کردن تصمیمات؛ تخصیص منابع مالی. نکته‌ی قابل توجه این که سیاست‌های صنعتی دولت پهلوی اول از نظر حقوقی در ۵ گروه قانون، تصویب‌نامه، نظام‌نامه، متحدالمال و اساسنامه قرار می‌گیرند.

فصل چهارم کتاب «بررسی ضوابط و مقررات حقوقی حوزه‌ی صنعت» است. مؤلف در تعریف ضوابط و مقررات حقوقی آورده است: «به دسته‌ای از تصمیمات دولت اطلاق می‌شود که لازم‌الاجراست و در جهت تشویق یا حمایت از فعالیت‌های صنعتی اتخاذ می‌گردد؛ مانند قانون معادن، جواز ورود سرمایه خارجی به صورت ماشین آلات صنعتی». در طول ۱۶ سال تعداد ۱۴۹ مورد قانون و مقررات به تصویب مجلس و هیأت وزیران رسید که از این تعداد ۴۱/۶۲ درصد ضوابط و مقررات حقوقی توسط مجلس شورای ملی و ۵۸/۳۸ درصد آن هم توسط هیأت وزیران و وزارتخانه‌های ذی‌ربط اتخاذ شد. بر اساس نمودار ارائه‌شده بیشترین تعداد مقررات و قوانین مربوط به سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۲ و کمترین آن‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ بوده است. نیز بیشترین مقررات حقوقی مربوط به صنعت راه‌آهن و کمترین آن مربوط به نساجی، فرش و نفت بوده؛ به طوری که در این صنایع تنها ۲ مورد ضوابط و مقررات حقوقی به تصویب رسیده است. نمودار شماره ۳ توزیع فراوانی ضوابط و مقررات حقوقی بر اساس شاخه‌های صنعت را نشان می‌دهد. نویسنده برخی از ضوابط و مقررات حقوقی را انتخاب و تشریح کرده است. وی در پایان فصل اشاره می‌کند که گرچه دولت پهلوی اول در جهت

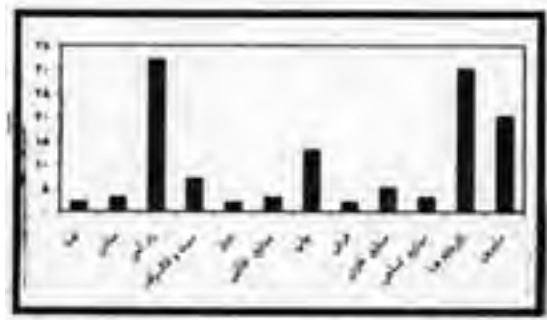
دولت در شاخه‌های پست و تلگراف، راه‌آهن، نفت، معادن، کارخانه‌های نساجی و صابون‌سازی بوده است.^۴

فصل دوم کتاب مروری است بر «نهادهای سیاست‌گذاری و سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری در حوزه‌ی صنعت». مؤلف نهادهای سیاست‌گذاری بخش صنعت را به دو دسته‌ی عام و اختصاصی تقسیم کرده است. نهادهای عام شامل مقام سلطنت، مجلس شورای ملی و ۱۲ وزیر هیأت وزیران و نهادهای اختصاصی شامل: اداره‌ی کل طرق و شوارع، اداره کل صناعت، اداره کل معادن، اداره کل تجارت است. (نمودار شماره ۲) این ادارات تنها وظیفه‌ی اتخاذ تصمیمات دولت درباره‌ی امور صنعتی را داشتند و در امور غیر آن دخالت نمی‌کردند.^۵ در سلسله‌مراتب مراکز سیاست‌گذاری، هریک از این مراکز جایگاه و نقش متفاوتی داشتند.^۶ نویسنده در این فصل تشکیلات اداری هر یک از نهادهای فوق را در قالب نمودار نشان داده است. به عنوان نمونه نمودار اداره کل تجارت می‌آید. این نهادها به لحاظ فقدان تقسیم وظایف و حدود و ثغور در زمان‌های مختلف دچار تغییر و تحول می‌شده‌اند. به طوری که گرایش به سمت تمرکز قدرت در نهاد سلطنت بیشترین سهم را در انحراف یافته داشته است.

مؤلف در فصل سوم کتاب به «بررسی آماری سیاست‌های صنعتی دولت» در دوره‌ی پهلوی پرداخته است. هدف این بخش نشان دادن موقعیت کمی قوانین و مقررات شاخه‌های مختلف صنعت است. بر اساس اطلاعات آماری، تعداد تصمیمات حوزه‌ی صنعت در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۲۰ بالغ بر ۱۱۴۵ قانون و مقررات (۲۱۱ قانون و ۹۳۴ مقررات) بوده است.^۷ در این فصل توزیع فراوانی قوانین و مقررات بر حسب سال، موضوع، مراکز جغرافیایی، دوره‌های کابینه‌ها، دوره‌های مجلس شورای ملی در قالب ۱۳ نمودار نشان داده شده و سپس مورد



نمودار شماره ۳: توزیع فراوانی قوانین صنعتی بر حسب دوره‌های مجلس (۱۳۲۰-۱۳۰۴)



نمودار شماره ۲: توزیع فراوانی ضوابط و مقررات حقوقی بر اساس شاخه‌های صنعت (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

حمایت و تشویق صنایع داخلی قوانین و مقرراتی را به تصویب رساند، اما قوانینی چون قانون جواز ورود سرمایه‌های خارجی به صورت ماشین‌آلات، زمینه را برای وابستگی صنایع ایران به کشورهای دیگر فراهم کرد.

فصل پنجم کتاب «بررسی سیاست‌های دولت در حوزه راهاندازی تأسیسات صنعتی» است. مؤلف در این فصل قوانین و مقررات دولت پهلوی اول را در زمینه تأسیسات صنعتی را بررسی کرده است. از جهت تعداد و گستره موضوعی، سیاست‌های دولت در حوزه راهاندازی تأسیسات در طول این دوره ۱۶ ساله، تصویب تعداد ۷۷۶ مورد قانون بوده است که برابر با ۶۷/۷۷ درصد از کل تصمیمات و برنامه‌های دولت در حوزه صنعت است.^{۱۰} براساس آمار و ارقام ارائه شده بیشترین توجه دولت به تأسیسات روبنایی و از جمله کارخانه‌های مصرفی بوده است.^{۱۱} مؤلف در تکمیل این فصل، مهم‌ترین قوانین و مقررات حوزه راهاندازی تأسیسات را در دو دسته زیربنایی و روبنایی تشریح کرده است.

فصل ششم عنوان «سیاست‌های دولت در حوزه تربیت نیروی انسانی متخصص» دارد. بر طبق داده‌های ارائه شده در فاصله سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ تعداد ۶۸ مورد قانون و مقررات در حیطه آموزش و تربیت نیروی متخصص به تصویب رسید. این رقم برابر ۵/۹۳ درصد از کل تصمیمات دولت در حوزه صنعت بود.^{۱۲} بیشترین تعداد تصمیمات در سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۷ و کمترین آن‌ها در سال‌های ۱۳۰۵ و ۱۳۱۳ اتخاذ شده است.^{۱۳} در دوره پهلوی اول بیشترین تعداد قوانین و مقررات به بخش صنایع فلزی و راه‌آهن اختصاص داشته و کمترین آن‌ها در شاخه‌های نفت، چاب، معادن و صنایع غذایی بوده است. مؤلف سپس به تشریح مهم‌ترین قوانین و مقررات حوزه تربیت نیروی انسانی متخصص پرداخته است که بر اساس موضوعات سه‌گانه زیر دسته‌بندی شده‌اند:

مرکز جغرافیایی	تعداد	درصد
تمام مناطق کشور	۷۲۰	۶۲/۸۸
تهران	۱۸۲	۱۵/۹۰
مشهد	۸	۰/۷۰
اصفهان	۲۶	۲/۲۷
اراک	۳	۲/۲۰
زنجان	۲	۰/۱۸
شهرهای شمالی	۸۰	۶/۹۹
همدان	۴	۰/۳۵
شیراز	۲۱	۱/۸۳
سمنان	۷	۰/۶۱
شهرهای جنوبی	۴۴	۳/۸۴
زاهدان	۶	۰/۵۲
خوزستان	۴	۰/۳۵
آذربایجان	۳۳	۲/۸۸
کرمان	۱	۰/۰۹
یزد	۴	۰/۳۵
جمع	۱۱۴۵	۱۰۰

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی قوانین و مقررات صنعتی برحسب مراکز جغرافیایی (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

مدارس و دانشگاه‌های صنعتی؛ آموزش صنعت راه‌آهن؛ آموزش صنعت پست و تلگراف^{۱۴}

در هر یک از موضوعات سه‌گانه فوق، قوانین و مقرراتی چون اساسنامه‌ی دانشکده‌ی فنی دانشکده‌ی تهران، استخدام معلمان مدرسه‌ی صنعتی، نظامنامه‌ی مدرسه‌ی صنعتی فارس، اساسنامه و برنامه‌ی هنرستان راه‌آهن و نظامنامه‌ی مدرسه‌ی پست و تلگراف به تصویب رسید. سیاست‌های دولت در جهت ایجاد مدارس و دانشگاه‌های صنعتی متمرکز شده بود. دولت به دلیل توجه به آموزش صنایع سنگین چون راه‌آهن از دیگر صنایع غافل بود.

فصل هفتم کتاب به «تخصیص منابع مالی دولت در حوزه صنعت» اختصاص یافته است. در این فصل ابتدا نحوه تنظیم بودجه بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ و سپس سیر تحولات بودجه‌ی صنعتی کشور در فاصله‌ی سال‌های مورد نظر بررسی شده است. مؤلف در ادامه به مهم‌ترین مصوبات در زمینه‌ی بودجه‌ی صنعت پرداخته است.^{۱۵} در طول این دوره، بیشترین سهم بودجه مربوط به سال ۱۳۲۰ بوده است. سیر تحول مخارج بخش صنعت از بودجه‌ی کل کشور و مقایسه‌ی آن با مخارج کل کشور در جدول شماره ۴ آمده است. در بخش درآمد، سهم صنعت در درآمد بودجه‌ی کشور روند صعودی داشته است. در جدول شماره ۵ سیر تحول درآمد بخش صنعت در مقایسه با درآمد کل کشور آمده است.^{۱۶} به‌طور کلی میزان زیاد درآمد دولت از بخش صنعت نشان‌دهنده‌ی آن است که صنایع علاوه بر اهمیت هزینه‌ای، منبع درآمد بزرگی برای دولت پهلوی محسوب می‌شد. مؤلف، سپس به مهم‌ترین قوانین و مقررات در زمینه‌ی بودجه‌ی بخش صنعت شامل سیاست‌های عمومی از قبیل تأسیس بانک ملی و تأسیس بانک فلاحتی و اعتبار جهت مؤسسات صنعتی و قندسازی پرداخته است. بررسی سیاست‌های مالی دولت در زمینه‌ی صنعت نشان می‌دهد که در طول این دوره، ۲۵/۳۴ درصد از کل مخارج به بخش صنعت اختصاص یافته و درآمد این بخش نیز حدود ۲۰/۷۷ درصد از کل درآمد کشور بوده است.

فصل پایانی کتاب اختصاص به «مراکز و نهادهای اجرایی سیاست‌های صنعتی دولت» دارد. در این فصل سازمان‌ها و نهادهای اجرایی بخش صنعت

ردیف	کلیه	تعداد	درصد
۱	ذکاءالملک فروغی	۳	۰/۳۲
۲	مستوفی	۱	۰/۱۱
۳	مستوفی	۳	۰/۳۲
۴	مستوفی	۸	۰/۸۶
۵	مهدی‌قلی خان هدایت	۲۹	۳/۱۰
۶	مهدی‌قلی خان هدایت	۲۱۸	۱۳/۳۳
۷	محمدعلی فروغی	۱۷۷	۱۸/۹۵
۸	محمود جم	۴۱۱	۴۲/۵۹
۹	محمود جم	۱۱۶	۱۲/۲۲
۱۰	عزیز دفتری	۸۹	۹/۵۳
۱۱	علی منصور	۶۷	۷/۱۷
۱۲	محمدعلی فروغی	۱۲	۱/۲۹
جمع	—	۹۳۴	۱۰۰

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی مقررات صنعتی برحسب دوره کلیه‌ها (۱۳۰۴-۱۳۲۰)

که شامل وزارت خانه‌ها و سازمان‌ها وابسته است، بررسی شده‌اند. مؤسسات وابسته وظیفه‌ی اجرایی کردن مصوبات صنعتی را داشتند و شامل مؤسسه‌ی راه‌آهن دولتی ایران، مؤسسه‌ی قالی ایران، مؤسسه‌ی انحصار دخانیات ایران و مؤسسات برق شهرداری می‌شدند. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به یکپارچگی سازمان اجرایی سیاست‌های صنعتی اشاره کرد. علاوه بر این هر نهاد یا سازمان زیرمجموعه‌هایی داشت که در سطحی کوچک‌تر به حوزه‌ی اجرایی برنامه‌های صنعتی دولت اختصاص داشت، مانند اداره‌ی راه‌آهن که زیر نظر وزارت طرق و شوارع بود.

نتایج

برخی موضوعات قابل توجه ذکر شده در کتاب به شرح زیر است:

- بررسی سیاست‌گذاری در این دوره نشان می‌دهد که هماهنگی میان نهادهای مختلف وجود نداشته است. چنان‌که برنامه‌های هیأت وزیران و نهادهای ذی‌ربط هم از نظر زمانی و هم از نظر موضوعی با برنامه‌های مجلس شورای ملی متفاوت بود.

- توزیع فراوانی قوانین صنعتی به تفکیک دوره‌های مجلس نشان می‌دهد که بیشترین تعداد تصمیمات مربوط به سال‌های ۱۳۱۲ و کمترین تعداد در سال ۱۳۰۵ و ۱۳۲۰ بوده است.^{۱۷} (جدول و نمودار شماره‌ی ۶ و ۷)

- علاوه بر مجلس شورا، در طول این دوره کابینه‌ی وزراء نیز به تصویب برنامه‌هایی جهت توسعه‌ی صنعت در کشور پرداختند. با مروری بر برنامه‌ها و تصویب‌نامه‌های کابینه‌های دوره‌ی پهلوی اول، مشخص می‌شود که دومین کابینه‌ی مهدی قلی‌خان هدایت و اولین کابینه‌ی جم بیشترین تصمیمات را در زمینه‌ی صنعت اتخاذ کرده‌اند.^{۱۸} (جدول شماره‌ی ۸)

- در این دوره بیشترین تعداد مصوبات به شش قطب صنعتی کشور اختصاص یافته بود که عبارتند از: تهران، آذربایجان، اصفهان، فارس، شهرهای جنوبی و شهرهای شمالی کشور.^{۱۹} توزیع فراوانی قوانین و مقررات صنعتی کشور برحسب مراکز جغرافیایی در جدول شماره‌ی ۹ آمده است.

بررسی اجمالی کتاب

- بکر بودن موضوع مورد بررسی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این کتاب است. اگرچه تا کنون کتاب‌های زیادی در ارتباط با دوره‌ی پهلوی اول نگاشته شده؛ اما کتابی که به برنامه‌ریزی‌های نظری صنعت این دوره اشاره کرده باشد تاکنون چاپ نشده است.

- شیوه‌ی نگارش مؤلف در کتاب در عین سادگی، شیوا و مستدل است.

- مهم‌ترین ویژگی کتاب استفاده از روش‌های کمی در پژوهش تاریخی است، امری که تا کنون در کمتر پژوهش تاریخی صورت گرفته است. ازجمله، بهره‌گیری از انواع جدول و نمودارها که با استفاده از نرم افزارهای آماری انجام شده است.

- مؤلف با استفاده از تعداد زیادی از اسناد مهم و با ارزش این دوره که در هیچ منبعی مورد استفاده قرار نگرفته بر محتوای کتاب افزوده است. دوره‌ای که این کتاب به آن پرداخته است از جهات گوناگون حائز اهمیت است: ۱- این دوره از نظر بسیاری از محققان آغاز نوسازی در ایران است؛ ۲- در مورد دوره‌ی پهلوی حب و بغض‌های زیادی وجود دارد و این امر موجب شده تا نگاهی به دور از واقعیت و بدون استناد به اسناد و مدارک متقن بر این دوره حاکم باشد؛ ۳- این دوره تأثیر

عمیق و وسیعی بر تاریخ معاصر ایران و در ابعاد مختلف دارد.

- از دیگر ویژگی‌های کتاب استفاده از چند رشته در پژوهش تاریخی در یک دوره‌ی مشخص است. نگاه تاریخی در ایران تا چند دهه‌ی اخیر حول مسائل سیاسی بوده است. از ویژگی‌های بارز این کتاب استفاده از چند رشته در یک موضوع است که در واقع می‌توان این کار را یک پژوهش میان‌رشته‌ای به شمار آورد.

- از دیگر نکات مثبت این کتاب بخش نمایه‌ی آن است. این نمایه با سرعنوان‌های موضوعی چون مناطق و کشورها، کتب و نشریات و اشخاص و سلسله‌ها تفکیک و مشخص شده است. طبقه بندی نمایه استفاده‌ی محقق از موضوعات مختلف کتاب را آسان‌تر می‌کند.

- از نقاط ضعف کتاب می‌توان به عدم ارائه‌ی الگوی نظری در ابتدای کتاب نام برد.

از دیگر مسائلی که می‌توانست در نگارش این اثر مورد توجه قرار گیرد، تحلیل بیشتر قوانین و مقرراتی است که در ۸ فصل کتاب تنها به آن اشاره شده است.

- در کتاب اغلاط و ویرایشی و املائی دیده می‌شود. از جمله در عنوان نمودار صفحه‌ی ۷۶ که باید به صورت: «مقایسه‌ی تعداد قوانین و مقررات صنعتی بر حسب انواع حقوقی» می‌آمد. نیز می‌توان به نامشخص بودن درصدها در نمودار شماره‌ی ۸ در صفحه‌ی ۷۱ اشاره کرد.

- بهتر بود نمودارها به صورت رنگی ارائه می‌شد.

پی‌نوشت

۱. صادقی، زهرا: سیاست‌های صنعتی در دوران رضاشاه، انتشارات خجسته، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۲.
۲. عیسوی، چارلز: تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه‌ی دکتر یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۹، مقدمه.
۳. روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه، سال ۱۲۶۷، شماره‌ی ۳.
۴. صادقی، زهرا: سیاست‌های صنعتی در دوران رضاشاه پیشین، ص ۳۸.
۵. همان، ص ۴۹-۵۰.
۶. همان، ص ۵۶-۵۷.
۷. همان، ص ۶۰.
۸. همان، ص ۷۹.
۹. همان، ص ۷۹.
۱۰. همان، ص ۹۶.
۱۱. همان، ص ۹۷.
۱۲. همان، ص ۱۲۶.
۱۳. همان، ص ۱۲۷.
۱۴. همان، ص ۱۲۹.
۱۵. همان، ص ۱۵۲.
۱۶. همان، ص ۱۵۴.
۱۷. همان، ص ۶۴.
۱۸. همان، ص ۵۶.
۱۹. همان، ص ۶۹.